



درمقابل زبان علم

● فهمیده دهقان

همیشه این سؤال مهم که بیان ذهنیت‌های یک فرد از چه سطحی وارد بیان و زبان هنری می‌شود مورد بحث بوده است و درمورد آن با تعاریف ضدونقیضی مواجه می‌شویم. اما در یک بررسی کلی، بیان و زبان هنر و ادب در مقابل بیان علمی - که شکل ساده و کاربردی‌تر زبان محسوب می‌شود - قرار می‌گیرد.

یک ساختار کلامی تنها وقتی ادبی است که موضوع مورد بحث خود را در بیش از یک سطح ارائه دهد یا وقتی یک گفته‌ی واحد در ساختار معنایی که در آن می‌آید بیش از یک نقش داشته باشد (نوووتنی، ۱۹۶۲: ۲). ادبیات از زبان غیرادبی متمایز است؛ به این دلیل که از طیف گسترده‌ای از «صناعات» بهره می‌گیرد که تأثیر آشنایی‌زدایی دارند. اصل آشنایی‌زدایی نیروی محرک درون تاریخ ادبیات نیز هست (برتنز، ۱۳۸۲: ۷۳-۷۲).

«نخستین ویژگی زبان ادبیات آن است که بیش از انواع دیگر زبان مشمول به معنا و لذا نمادین است. بدین معنی که این نوع زبان بیش از آنکه بکوشد تا از رهگذر صورت یا دالال به معنا یا مدلول و از آنجا به عالم مصادیق راه برد، همواره سعی می‌کند یک معنا را به معنای دیگر پیوند زند و این یکی را سمبل یا نماد دیگری کند» (حق شناس، ۱۳۸۲: ۲۴۹). این در حالی است که در زبان علم کاربرد صناعات زیاد دیده نمی‌شود. حق شناس می‌گوید: «زبان علم به هیچ روی در عالم معنا توقف نمی‌کند بلکه همین که از رهگذر صورت‌های زبانی به معنا راه برد، بلافاصله به جهان مصادیق وصل می‌شود. پس اگر زبان ادبیات به اعتبار این ویژگی نمادین باشد، زبان علم چنان نیست بلکه چیزی در مایه‌ی زبان اطلاعاتی است» (همان، ۱۳۸۲: ۲۴۹).

در فیلم آموزشی اگر تأویل‌ها و لایه‌های معنا گسترده باشند، هدف آموزشی و فعل رفتاری فراگیر نامشخص می‌شود. پس این رویکرد با ذات فرایند یاددهی - یادگیری مغایر است اما از سوی دیگر ارزش بیانی و رسانه‌ای فیلم ایجاب می‌کند که کیفیت ماهوی خود را در این راستا حفظ کند.

ارائه شده است؛

در صورتی که دریافت معنا صورت نپذیرد، در نوع فیلمی جدید دریافت را امکان‌پذیر کنیم؛ به سلیقه‌های متنوع‌تری از مخاطبان پاسخ دهیم؛ در عین ایجاد لایه‌های معنا، پیام صریح آموزشی گم نشود.

فیلم آموزشی غیرمستقیم

در این فیلم‌ها در کنش اصلی، موضوع حضور مستقیم ندارد بلکه تأثیر مستقیم دارد. لذا، در پرداخت آن‌ها ضرورت استفاده از ترکیب چند نوع فیلمی دیده نمی‌شود. در این شیوه معمولاً فیلم‌های داستانی کاربرد فراوان دارند؛ گاهی این فیلم‌ها را صرفاً «تربیتی» می‌نامند که این تعبیری خطاست؛ چراکه همه‌ی فیلم‌ها در ذات خود تربیتی‌اند و آموزش در ذات تربیت است.

فیلم‌های آموزشی غیرمستقیم در پی ارائه‌ی حجم بالای اطلاعات پیرامون موضوع خود نیستند بلکه شاید گاهی هدف اصلی، بیشتر جنبه‌ی ترغیبی و همدلی با مخاطب باشد. فیلم‌های داستانی در این حالت بهترین نمونه‌اند اما فیلم‌های مستند، انیمیشن و در کل، هر نوع فیلمی مستقل می‌تواند با تعریف هدف رفتاری برای مخاطب و چینش و ارتباط کاربردی اثر برای آموزش وارد این سطح ارتباطی و این نوع فیلمی شود.

ظاهر فیلم‌های آموزشی غیرمستقیم با انواع مشابه غیرآموزشی نزدیک است و تشخیص کارکرد «کاربردی» آن در آموزش گاهی محل تشکیک واقع می‌شود.

در پایان، آنچه در این نوشتار کوتاه مهم‌تر به نظر می‌رسد، درهم تنیدگی فرم و محتوا در رسانه‌ی فیلم آموزشی است. لذا متخصص ساختار فیلم - که فیلم‌ساز است - باید ضمن اتخاذ نظرات کارشناس علمی مورد بحثش، خود نیز تسلطی نسبی بر موضوع علمی بیابد تا بلاغتی در کلام و بیان فیلمی‌اش ایجاد گردد.